

بسم الله الرحمن الرحيم

## دلسردی، یأس و ناامیدی حاصل رهروان باطل است!

(ترجمه)

واقعیتی که ما امروزه در آن زندگی می‌کنیم، با همه شکست‌ها، فتنه‌ها، اشغال سرزمین‌های مان و تاراج اموال و ثروت‌های ما به گونه‌ای که استعمارگر کافر بر زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فکری ما مسلط شده و به تعقیب آن، طمع دارد که تسلیم شویم و پرچم سفید را در برابر او بلند نموده به او اعلام کنیم که در همه زمینه‌ها شکست خورده‌ایم، حق دارد ما را به هر گونه که می‌خواهد قیادت کند. با این فکر که او ما را به دلسردی و ناامیدی در مورد تغییر این واقعیت بر اساس قانون پروردگار ما رسانیده است. برخی نشستند و گفتند: ما از این واقعیت خارج نمی‌شویم، مگر با یک زلزله یا سونامی الهی که امریکا را غرق کند و آن را ویران نماید. برخی دیگر گفتند: ما نیاز به معجزه داریم تا از این حالت بیرون شویم؛ پس در خواب و خیال می‌نشیند و منتظر ظهور مهدی اند تا این که به تنهایی با کفار بجنگد و امور متفرق مسلمانان را متحد کند! اما الله سبحانه و تعالی امت اسلامی را با گروهی از مؤمنان حمایت کرده است که به حقیقت سیاست و حقیقت فکر واقف بوده و در مسیری که امت را از انحطاط نجات داده و نهضت می‌بخشد، بصیرت داشتند.

«لَنْ يَبْرَحَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا يَفَاتِلُ عَلَيْهِ عَصَابَةٌ مِنْ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ» (رواه مسلم)

**ترجمه:** این دین باقی خواهد ماند، گروهی از مسلمانان به خاطر آن مبارزه خواهند کرد تا این که قیامت برپا شود.

اصرار این گروه آگاه بر رویارویی با استعمارگران کافر و همراهان‌شان و افشای ایدئولوژی، دروغ و نیرنگ آنان بوده است. سازش بر سر دین را نمی‌پذیرند و به منافع شخصی و نیازهای خود (در برابر منافع دعوت) اهمیت نمی‌دهند. اگر پایداری این گروه نمی‌بود، امت نابود می‌شد و اثری از آن باقی نمی‌ماند.

استعمارگر کافر مصمم است تا امت را به دلسردی، یأس و سپس ناامیدی برساند و با داروهای خود به آن زهر تزریق می‌کند. سالیان دراز است که با او نیرنگ می‌کند و دین و عقیده‌اش را فریب داده و در مورد اسلام و ایمانش که بدون آن حیثیت و ارتباط با پروردگارش را از دست می‌دهد، با او معامله می‌کند تا این که عده‌ای از افراد ضعیف و منافق می‌گویند: "می‌ترسیم چرخه‌ای روزگار برگردد و به ما حادثه ناگواری برسد" و "تغییر این حال، از محالات است". دروغ گفتند. این چیزی نیست جز بزرگ جلوه دادن باطل؛ هدیان دروغین و خیالاتی که کافر اولاً برای قانع ساختن خود و ثانیاً برای متقاعد ساختن افراد ضعیفی که از او پیروی می‌کنند، استفاده می‌کند. آنان بر این امت به شکل بسیار اساسی حمله‌ور شدند، اما ناامید گردیدند و زیان کردند؛ زیرا کسانی در میان امت بودند که آن را با مفاهیم اسلام خطاب کردند و برایش قطب‌نما قرار دادند. کسانی که برای امت تعیین کردند که کفر و ایمان، حق و باطل، وجود دارد، همه این‌ها باشد که ملاقات بین آن‌ها فقط در میدان‌های جهاد صورت گیرد تا این که به داستان خود با خواری و ذلت جزیه بپردازند.

استعمارگر کافر و همراهان سرکش او تصور می‌کردند که امت به دلسردی و یأس رسیده و آنان دو چیز را متحقق ساختند؛ اول: ضعف اراده و تمایل به تغییر و دوم، تضعیف عزم از طریق تکیه بر دنیا و محبت به آن.

این دو چیز مانع حرکت هر انسانی می‌شود و باعث می‌شود که حتی به تغییر فکر نکند. دلسردی، یأس و ناامیدی اصطلاحاتی است که اسلام از وجود آن‌ها در قاموس مسلمانان نهی کرده است؛ زیرا یأس مساوی با کفر است و یأس نقطه مقابل امید؛ مساوی است با ناامیدی و آن عبارت از زمانی است که انسان یقین داشته باشد که تغییر و گشایش حاصل نمی‌شود، و یا یقین کند که بشارت‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم مبنی بر بازگشت خلافت واقع نمی‌شود. لذا قطع امید کند که پیروزی برای اسلام خواهد بود. به عبارت دیگر، یعنی هیچ امیدی نیست که بلاهایی که به دست امریکا، اروپا، روسیه و حاکمان دست‌نشانده آن بر سر مسلمانان آمده، هرگز برطرف نمی‌شود و هیچگاه از بین نخواهد رفت؛ پس چاره‌ای جز تسلیم شدن و قانع شدن در برابر وضع موجود نداریم! و قنوط شدیدتر از یأس است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُئْسِرْ قَنُوطٌ﴾ [فصلت: 49]

**ترجمه:** و زمانی که بلا و سختی و فقر و فاقه بدو رو کرد، فوراً دلسرد و ناامید می‌گردد (و از خود و زندگی بیزار و گریزان می‌شود).

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قَالُوا بَشْرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَانِطِينَ (55) قَالَ وَمَنْ يَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ [حجر: 55-56]

**ترجمه:** گفتند: ما تو را به چیز راست و درستی مزده داده‌ایم و از زمره مایوسان (از رحمت الله) مباش. گفت: چه کسی است که از رحمت پروردگارش مایوس شود؛ مگر گمراهان (بی‌خبر از قدرت و عظمت الله؟!).

رسیدن به این سه (دلسردی، یأس و ناامیدی) بر مؤمن و مسلمان حرام است و جواز ندارد که در درون وی نفوذ کند؛ زیرا این به معنای سوء ظن نسبت به الله سبحانه و تعالی است. هرگاه چنین حالتی رخ داد، مصیبتی بزرگ و بلای سختی خواهد بود، بر کسی که به الله سبحانه و تعالی سوء ظن نموده است و آن عبارت از نفی وقوع رحمت الله سبحانه و تعالی است که یکی از گناهان کبیره می‌باشد.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که مردی گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم، گناهان کبیره چیست؟ ایشان فرمودند:

«الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَالْإِيَّاسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ، وَالْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»

**ترجمه:** شرک ورزیدن به الله، مایوس شدن از لطف الله (سبحانه و تعالی) و ناامیدی از رحمت الله (سبحانه و تعالی) است.

بنابر این، سوء ظن به الله سبحانه و تعالی از اخلاق نفاق و شرک است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [فتح: 6]

**ترجمه:** و تا این که مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرکی را عذاب کند که به الله سبحانه و تعالی گمان بد می‌برند؛ بدی‌ها و بلاها تنها ایشان را در برمی‌گیرد (و فقط بر آنان چنبر می‌زند) و الله بر ایشان خشمگین می‌گردد، و آنان را نفرین می‌کند (و از رحمت خود محروم می‌سازد) و دوزخ را برای ایشان آماده ساخته است و دوزخ چه جایگاه نهائی بدی است!

کافر استعمارگر و مزدورانش بر عدم بازگشت امت اسلامی به سوی دینش در سایه دولت آن اصرار دارند و تلاش دارند تا با مشکلات و عقده‌های روانی که از آن رنج می‌برد، با اضطراب و اختلالات جنسی که منجر به خودکشی می‌شود، زندگی کند. بنابراین، تمرکز نموده بر این که:

اول: اعتماد امت را به اسلام و این که این امر باعث آسایش، سعادت و پیشرفت مردم می‌شود، سلب کند.

ثانیاً: اعتماد به نفس و توانایی‌های امت را سلب کند؛ زیرا او از حقیقت قدرت نهفته در آن آگاه است و می‌داند که منافعش در گرو حفظ حالت دلسردی است و حرص دارد تا هر فکری که جهت خارج شدن از چنگالش وجود دارد، حذف کند. به همین دلیل تلاش کرده تا با استفاده از روش‌های حيله‌گرانه‌تر و مکارانه‌تر از قبل، از هر چیزی که امت را زنده می‌کند، جلوگیری نماید. رسانه‌ها در دوام گمراه‌سازی امت و حفظ وضعیت دلسردی نقش داشتند. رسانه‌های غیردولتی وابسته به سازمان‌های بین‌المللی با نقشی مشکوک و متمرکز بر انحراف امت از مسیر قطب‌نما ظاهر شد و نقش آن تغییر چهره‌ها بود. آن‌ها فقط دو روی یک سکه هستند که قصد دارند با تجارب ناموفقی که به "اسلام‌گرایان" نسبت داده می‌شود، این اندیشه را که "اسلام جایگزین متمدنانه‌ای برای هر آنچه در صحنه است" تضعیف کنند. آنان می‌گویند که اسلام برای تطبیق و موجودیت آن در زندگی مردم حمل نگردیده است، زیرا کسانی که شکست خورده اند، کسانی هستند که چیزی جز نام اسلام نمی‌دانند.

یکی از حيله‌های آن‌ها پیش‌بینی رویدادها برای تحمیل حالت دلسردی به عموم مردم است تا امور در دست آن‌ها باقی بماند و عمر نظام‌های دست‌نشانده طولانی شود. آن‌ها سعی کردند تا این عوام‌فریبی را بقبولانند که آنچه وجود دارد، بهتر از آن چیزی است که به انتظارش هستیم و راه‌حل واقعی وجود ندارد. آن‌ها برای طولانی کردن بحران‌ها تلاش می‌کنند، همانطور که در جنگ‌های جاری در یمن، وضعیت نامعلوم در لیبی و درگیری‌های جاری در سوریه وجود دارد. چنانچه مردم عادی را هم متقاعد کردند که هر پروژه سیاسی باید از امریکا بیاید و این هم چیزی است که اسلام برای مسلمانان حرام کرده است! هرکس آن را در نفس خود بیابد، گویا وارد سوراخ مارمولک شده است. مصلحت عمومی برای توجیه بوده و ضرورت‌ها با هوی و هوس سنجیده می‌شود نه شرع.

برای مقابله با محصول کافر استعمارگر باید ایمان به الله سبحانه و تعالی را عمیق‌تر کنیم، معنای توکل بر الله سبحانه و تعالی را عملاً عملی کنیم و به خود و توانایی‌های خود اعتماد داشته باشیم؛ زیرا مسلمان در برابر شرایط تسلیم نمی‌شود و در برابر دشمن خود ذلیل نمی‌گردد؛ بلکه تمام این‌ها دلیل و انگیزه‌ای است برای بازگشت به سوی الله سبحانه و تعالی و آمادگی مجدد و پیروز

شدن و شکست دادن دشمنان الله سبحانه و تعالی. آگاهی سیاسی از حقیقت کفر و فریب بین المللی باعث می‌شود که مسلمان بدون سردرگمی و تحریف به پروژه تمدنی سیاسی شان بپردازد.

راه رسیدن به الله سبحانه و تعالی و رسیدن به رضای او بر هر مؤمن مخلصی روشن است که در پیروی از امریکا، اروپا و روسیه و از طریق حاکمان عرب سازندهی استعمار نیست؛ زیرا آن‌ها اساس مرض و سبب بلاء هستند! آن‌ها دعوت کنندگان درهای جهنم هستند! هر که آن‌ها را اجابت کند، او را به درون آن می‌اندازند. اما تأخیر نصرت در نظر افراد سست ایمان و کم یقین، چنان است که مشقت ادامه دارد و راه طولانی است. اما من می‌گویم: هیچ کسی جز الله سبحانه و تعالی غیب را نمی‌داند و هیچ کسی نمی‌داند که چه زمانی نصرت الله سبحانه و تعالی می‌آید. درست نیست که بگوییم نصرت الله سبحانه و تعالی تأخیر کرده؛ زیرا کارها مطابق اراده‌ی او به پیش می‌رود و او سبحانه و تعالی می‌داند چه زمانی بندگان را نصرت دهد. اگر تاریخ نصرت را می‌دانستیم و در تاریخ خود محقق نمی‌شد، صحیح بود که بگوییم نصرت به تأخیر افتاد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: 126]

*ترجمه: و پیروزی جز از جانب الله توانای دانا نیست.*

پس نصرت آمدنی است در زمانی که الله سبحانه و تعالی آن را تعیین نموده و ما تکلیفی جز پایبندی به اوامر الله سبحانه و تعالی نمی‌داشته باشیم.

نویسنده: شیخ سعید الکریمی (أبو عبد الرحمن)

مترجم: احمد صادق امین

برگرفته از شماره 459 مجله‌ الراه